**بسم الله الرحمن الرحیم [[1]](#footnote-1)**

**بیان پنجم برای تقیید حدیث رفع: بیان دوم محقق خوئی**

بیان پنجم برای تقیید حدیث رفع به بعد از فحص، بیانی است که محقق خوئی دارند که ذکر و نقد آن از جهاتی مفید است. ایشان می‌فرمایند اگر قرینه لبی و عقلی را کسی قبول نکند ما به بیان دیگر یک مقید لفظی برای حدیث رفع تصویر می‌کنیم و آن مقید تمسک به بعضی از اخبار توقف است بیان مدعایشان ضمن اشاره به دو نکته میسر است.

**نکتۀ اول:** ایشان می فرمایند در نگاه اولی به این حدیث رفع و اخبار توقف تباین کلی است، حدیث رفع می‌گوید جستجو لازم نیست وقتی ندانستی حکم مرتفع است مطلقا چه قبل از فحص چه بعد از فحص، اخبار توقف می‌گوید «قف عند الشبهه» در شبهات توقف کن و احتیاط کن چه قبل از فحص و چه بعد از فحص در نگاه اولی بین حدیث رفع و اخبار توقف تباین کلی است.

**نکتۀ دوم:** می‌فرمایند لکن با یک ملاحظه یک انقلاب نسبت درست می‌شود با یک توضیحی ثابت می‌کنیم رابطۀ بین حدیث رفع و اخبار توقف می‌شود عام و خاص مطلق و اخبار توقف حدیث رفع را تقیید می‌کند و نتیجه این می‌شود که در «مالایعلمون» حکم مرتفع است مگر قبل از فحص که قبل از فحص حکم مرتفع نیست. چگونه انقلاب نسبت می‌شود؟

ایشان می‌فرمایند اخبار توقف دو تا لسان دارد: قسمتی از اخبار توقف می‌گوید «قف عند الشبهه» هیچ قیدی ندارد ولی یک لسان داریم در اخبار توقف می‌گوید « فَأَرْجِهْ حَتَّى تَلْقَى إِمَامَكَ» صبر کن و توقف کن تا به امامت برسی، یعنی چه تا به امام برسی؟ یعنی اگر وصول به امام و حجت ممکن باشد آنجا برو بپرس و الا «حتی تلقی امامک» یعنی برو به صورت امام را بیین روشن است که این نیست یعنی برو از امام بپرس. بنابراین قسمتی از اخبار توقف مفادش این است اگر دسترسی به امام و حجت داری جستجو کن و سوال کن.

ایشان می‌فرمایند این دو دسته اخبار توقف یکدیگر را تخصیص نمی‌زنند چون هر دو مثبتین هستند ولی این قسم اخبار توقف حدیث رفع را تقیید می‌کند حدیث رفع می‌گوید «رفع ما لایعلمون» مگر اینکه دسترسی به حجت داشته باشی دسترسی به دلیل داشته باشی امام هم یعنی حجت یعنی دلیل، لذا اگر دسترسی به حجت داری رفع نشده است تکلیف بلکه باید از حجت بپرسی.

پس محقق خوئی می فرمایند نتیجه این شد که «رفع ما لا یعلمون» الا زمانی که دسترسی به حجت دارید آنجا برو جستجو کن، حجت هم یعنی دلیل. بعد نتیجه می‌گیرند قسمت دوم اخبار توقف مقید حدیث رفع می شود بعد نتیجه می‌گیریم جستجو واجب است و قبل از جستجو تکلیف مرتفع نیست.

عرض می کنیم این نگاه محقق خوئی از جهات مختلف بناءً و مبناء دارای مناقشه است.

**اشکال اول:** که اشکال مبنایی است ما در بررسی اخبار احتیاط و ادلۀ اخباریین بر احتیاط روایات احتیاط را به چند دسته تقسیم کردیم طایفۀ چهارمش روایات «قف عند الشبهه»[[2]](#footnote-2) بود آنجا ( تاریخ 9 آذر 1398) ابتدا سه کلمه را تحلیل کردیم، شبهه، وقوف و اقتحام و نتیجه گرفتیم در آن روایات شبهه به معنای شک نیست شک در حکم شرعی بلکه مشتبه شدن امر و مزج شدن بین حق و باطل است اصلاً مربوط به چیز دیگری است و ربطی به شک در حکم شرعی ندارد.

**اشکال دوم:** بر فرض که بپذیریم که روایات «قف عند الشبهه» مربوط می شود به احکام شرعی، توقف کنید در شک در تکلیف، شک در احکام شرعی ولی خود محقق خوئی در مباحث احتیاط رابطه بین ادلۀ برائت - حدیث رفع - و اخبار «قف عند الشبهه» را رابطۀ تعارض نمی‌دانستندکه اینجا تاکید دارند تعارض است بلکه آنجا گفتند رابطه ورود است حدیث رفع وارد بر روایات توقف است نه تباین کلی مصباح الاصول جلد1 صفحه ۲۹۹ را مراجعه کنید[[3]](#footnote-3). ایشان می‌گویند «قف عند الشبهه» یعنی اگر شی‌ای مشتبه شد یعنی نه حکم ظاهری‌اش معلوم بود و نه حکم واقعی آن معلوم باشد آنجا باید احتیاط کنی، بعد می‌فرمودند ادلۀ برائت از جمله حدیث رفع مضمونش این است در مشتبه حلیت ظاهری است، حکم ظاهری حلیت است. حدیث رفع می‌گوید در مشتبه حکم ظاهری حلیت است، ؟«قف عند الشبهه» می‌گوید وقت شبهه احتیاط کن و اینجا شبهه نداریم حکم ظاهری معلوم است لذا حدیث رفع وارد یا حاکم بر ادله توقف است، چگونه اینجا می‌گویید تباین کلی است اینکه خلاف آن گفته شما شد. عبارت محقق خوئی :« لأن أدلة الترخيص تخرجه عن عنوان المشتبه، و تدرجه في معلوم‏ الحلية.».

**اشکال سوم:** شما که تعارض فرض کردید و فرمودید بین روایات «قف عند الشبهه» با حدیث رفع تعارض است، تعارض در صورتی است که هر دو حکم مولوی باشد «قف عند الشبهه» وجوب مولوی، «رفع ما لا یعلمون» حکم مولوی در عرض واحد هستند تا بشوند تعارض، اما جالب است شما احادیث «قف عند الشبهه» را حکم مولوی نمی‌دانید می‌گویید حکم ارشادی است به قرینه ذیلش «فَإِنَّ الْوُقُوفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ خَيْرٌ مِنَ الِاقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَةِ » شما می‌گویید ذیل اشاره به یک حکم عقلی است که توقف در شبهات بهتر از این است که انسان در هلاکت بیفتد این حکم عقلی است پس «قف عند الشبهه» ارشاد به حکم عقل است این حکم عقل هم اینجا تعلیقی می‌شود وقتی حکم عقل تعلیقی شد حدیث رفع بر همۀ اینها مقدم است.

**اشکال چهارم:** اخبار توقف به لسان «حتی تلقی امامک» که شما اینها را مقید حدیث رفع دانستید ما در گذشته بررسی کرده‌ایم این لسان دو گروه هستند یک گروه از اینها مربوط به شبهات موضوعی است مثل احادیث صید و امثال اینها که شما خودتون این اخبار توقف را در شبهات موضوعی حمل کردید بر رجحان احتیاط نه لزوم احتیاط بعد چگونه می‌تواند مقید حدیث رفع باشد؟

یک روایت داریم مقبولۀ عمر بن حنظله «فَأَرْجِهْ حَتَّى تَلْقَى إِمَامَكَ»[[4]](#footnote-4) بحث کردیم ربطی به شبهات حکمی ندارد شما هم قبول دارید پس سوال ما این است کدام حدیث توقف - «فَأَرْجِهْ حَتَّى تَلْقَى إِمَامَكَ »- می‌تواند مقید حدیث رفع باشد و انقلاب نسبت درست کند؟ همچنین حدیثی نداریم.

**نتیجه:** این بیان پنجم که محقق خوئی برای تقیید حدیث رفع بیان کردند قابل تصویر نمی باشد.

**بیان ششم:** تمسک به اجماع است برای تقیید حدیث رفع بعضی گفته‌اند اجماع داریم قبل از فحص برائت جاری نیست اجماع می‌شود مقید برای سنت.

محقق خوئی اشکال می‌کنند و می‌فرمایند «و المحصل منه غیر حاصل و المنقول منه غیر حجه» اجماع محصل نداریم اجماع منقول هم حجت نیست.

عرض ما این است که اجماع در مسئله قابل انکار نیست همۀ علماء چه اخباری چه اصولی بدون شبهه قائلند قبل از فحص برائت نمی‌شود جاری کرد لکن مشکل این است که اجماع مدرکی است اخباری می‌گوید فحص لازم است تمسک می‌کند به «قف عند الشبهه»، اصولیین می‌گویند فحص لازم است یا به دلیل عقلی تمسک می‌کنند یا به ارتکاز عقلایی تمسک می‌کنند یا به اخبار طلب علم و تفقه تمسک می‌کنند مهم این است که این اجماع مدرکی است و اجماع مدرکی اجماع تعبدی نیست که بتواند مقید سنت باشد.

تا اینجا نتیجه این شد ما قبول داریم شرط برائت شرعی و جریان آن فحص است این مسلم است.

سوال شد اطلاق حدیث رفع که اسمی از فحص نمی‌برد که برائت شرعی جاری شود هر چند قبل از فحص، ما اشاره کردیم بیانات مختلفی برای فحص بیان شده است دو بیانش مورد قبول است یکی قرینۀ عقلی داریم که حدیث رفع اطلاق ندارد بیانی داشتند بعضی که ارتکاز عقلایی بود ما نپذیرفتیم گفتیم اگر فحص لازم نباشد نتیجه‌اش لغو ارسال رسل و انزال کتب است.

بیان دوم اگر اطلاق حدیث رفع را قبول کنیم بعضی از ادلۀ مقیده داریم مثل آیه ذکر، مثل روایات طلب علم، مثل روایات طلب تفقه و امثال اینها و روایات هلا تعلم که می‌گوید قبل از فحص حق اجرای برائت نداری.

بنابراین اجرای برائت شرعی شرطش وجوب فحص است.[[5]](#footnote-5)

نسبت به کیفیت فحص چند نکتۀ بسیار مهم است که در فقه ثمرات زیادی دارد وارد می‌شویم و یکی یکی بررسی می‌کنیم. که خواهد آمد.

1. - جلسه 38 – مسلسل 253– دو‌‌‌‌شنبه – 22/09/1400 [↑](#footnote-ref-1)
2. - مثل این روایت: وسائل الشيعة؛ ج‌20، ص: 258- «25573- 2- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ‌ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ ع أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ: لَا تُجَامِعُوا فِي النِّكَاحِ عَلَى الشُّبْهَةِ (وَ قِفُوا عِنْدَ الشُّبْهَةِ)- يَقُولُ إِذَا بَلَغَكَ أَنَّكَ قَدْ رَضَعْتَ مِنْ لَبَنِهَا- وَ أَنَّهَا لَكَ مَحْرَمٌ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ- فَإِنَّ الْوُقُوفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ خَيْرٌ مِنَ الِاقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَةِ». [↑](#footnote-ref-2)
3. - مصباح الأصول ( طبع موسسة إحياء آثار السيد الخوئي )، ج‏1، ص: 346 «(الوجه الأول)- ان المذكور فيها هو عنوان الشبهة، و هو ظاهر فيما يكون الأمر فيه ملتبسا بقول مطلق، فلا يعم ما علم فيه الترخيص الظاهري، لأن أدلة الترخيص تخرجه عن عنوان المشتبه، و تدرجه في معلوم‏ الحلية. و يدل على ما ذكرناه من اختصاص الشبهة بغير ما علم فيه الترخيص ظاهرا، انه لا إشكال و لا خلاف في عدم وجوب التوقف في الشبهات الموضوعية، بل في الشبهة الحكمية الوجوبية بعد الفحص، فلو لا ان أدلة الترخيص أخرجتها عن عنوان الشبهة، لزم التخصيص في اخبار التوقف، و لسانها آب عن التخصيص و كيف يمكن الالتزام بالتخصيص في مثل قوله عليه السلام: (الوقوف عند الشبهة خير من الاقتحام في الهلكة)؟». [↑](#footnote-ref-3)
4. - الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج‌1، ص: 67. [↑](#footnote-ref-4)
5. - در دورۀ قبل اصول استاد حفظه الله یک طریق و بیان هفتمی را هم مطرح کرده‌اند که فرمودند اضافه کنیم: تاریخ اول آذر 1388 - طریق هفتم: وجود علم اجمالی

   برخی از محققین گفته‌اند علم اجمالی موجود است که این علم اجمالی مانع از اطلاق حدیث رفع می‌شود.

   **توضیح مطلب**

   ما اجمالاً علم داریم به اینکه احکام الزامیه‌ای متوجه ماست. چون علم اجمالی داریم در هر شبهه بدویه‌ای قبل از فحص اگر برائت جاری کنیم با این علم اجمالی مخالفت کرده‌ایم. ممکن است همین موردی که ما برائت جاری می‌کنیم حکم الزامی داشته باشد. لذا علم اجمالی مانع از جریان برائت قبل از فحص است.

   اشکال محقق خراسانی

   اگر علم اجمالی اطلاق حدیث رفع را می‌خواهد محدود کند و به خاطر علم اجمالی قبل از فحص نمی‌توانیم به حدیث رفع عمل کنیم لازمه اش این است که اگر فقیه در کتب معتبر جستجو کرد و به مقدار معتنابهی به احکام شرعی رسید علم اجمالیش منحل شود و بعد از انحلال علم اجمالی در سایر شبهات بدوی قبل از فحص بتواند برائت جاری کند.

   محقق نائینی از این ایراد محقق خراسانی جواب داده است. محقق خوئی در مصباح الصول 2/491 به کلام محقق نائینی سه اشکال کرده است و نظر محقق خراسانی را زنده کرده است که علم اجمالی مانعیت مطلق از اجرای برائت قبل از فحص نمی‌تواند داشته باشد. ما هم اشکال محقق خراسانی را وارد می‌دانیم لذا این طریق هفتم از جمیع موارد نمی‌تواند مانع از تمسک حدیث رفع باشد. [↑](#footnote-ref-5)